

اعلام رسمی احکام زندان و تبعید برای دستگیرشدگان برگزاری جشن اول مه سال ۸۳ در سقز، ضرورت ادامه مبارزه برای لغو این احکام را مجدداً به جلوی صحنه آورد. برگزاری جشن اول مه در سراسر جهان حق کارگران است و لذا هیچ جرمی نمی‌تواند متوجه کسی باشد، که برای برگزاری این روز تلاش می‌کند. اگر کسی باید مجازات شود، این دولت اسلامی و ریزه خوارانی هستند که با اتکا به زور و سرکوب این حق را از کارگران گرفته‌اند. احکام دادگاه‌های جمهوری اسلامی به طور قطع باید پس گرفته شوند. تلاش برای لغو حکم زندان و تبعید این مبارزین یک باید بلا تردید است، نه فقط برای این که از مبارزین عدالت جوی ضد حکومت اسلامی باید دفاع کرد، نه فقط برای این که برگزاری جشن اول مه حق مسلم کارگران است. مهم‌ترین و بنیادی‌ترین دلیل این است، که پروسه تقویت اتحاد طبقاتی کارگران، پروسه به میدان آوردن توده‌ی کارگران، پروسه قوام یافتن تلاش‌های موجود برای سر و سامان دادن تشکلهای کارگری نمی‌تواند در انزوا از چنین وقایعی صورت گیرد.

\* \* \*

تلاش کارگران سقز برای برگزاری مراسم اول مه مستقل از دولت، در ادامه اعتراضات گسترده در ایران خودرو، صدها اعتراض و اعتصاب و راه‌بندان در شهرهای مختلف و تنها چند ماه پس از کشتار کارگران خاتون‌آباد؛ با دستگیری، توحش و زندان و محاکمه پاسخ گرفت. موجی از اعتراض علیه برخورد دولت اسلامی به فعالین کارگری راه افتاد، محاکمه و دستگیری آنها مورد اعتراض بسیاری از نهادهای بین‌المللی قرار گرفت. به فاصله چند ماه پس از واقعه اول مه

سقز، بخشی از کارگران نهادی ساختند برای سر و سامان دادن به مساله تشکلهای توده‌ای کارگری؛ و طولی نکشید، که نهاد دیگری نیز تقریباً در همان ابعاد اعلام موجودیت کرد. وقایع و پیامدهای اول مه سقز به مرکز این حرکات منتقل شد و در نتیجه، در کنار و شانه به شانه‌ی تلاش‌های گسترده تر برای سر و سامان دادن به خودسازمان‌یابی کارگری قرار گرفت. اکنون با اعلام احکام فعالین این حرکت، بازبینی تاریخی این واقعه هم برای دست به کار شدن دور تازه‌ای از مبارزه و هم از زاویه‌ی مسایل مبرم امروز جنبش کارگری اهمیت دارد.

۱- برگزاری اول مه در کردستان در طول سال‌های سرکوب جمهوری اسلامی و دقیقاً در دوره‌ای که کارگران ایران گاه اول مه را حتا مخفیانه برگزار می‌کردند، به یمن شرایط مبارزاتی در این منطقه و به یمن وجود سنت قوی سوسیالیستی، به خصوص در شهرهایی از این دیار (سقز و سنندج) چالش آشکار و گسترده‌ای میان دولت و کارگران بوده است. اول مه در این شهرها و برای نسلی از کارگران کرد عبجین شده است با اعتراض، دستگیری و اعدام فعالین کارگری، برگزاری مستقل این جشن طبقاتی، تعطیل عمومی در شهر، جشن و پایکوبی و آتش افروزی. تلاش کارگران سقز برای برگزاری اول مه در سال ۸۳ نیز در ادامه همین روند و با اتکا به وجود همین سنت بود. در همان سال، جشن اول مه در شهرهای دیگر ایران نیز به روال سابق موضوع کشمکش میان کارگران و دولت و کارفرمایان بود، و آشکار حرف زدن از تعطیلی روز جهانی کارگر هنوز حتا دفاکتو نیز پذیرفته شده نبود و نیست.

۲- این حرکت بر بستر و در ادامه‌ی

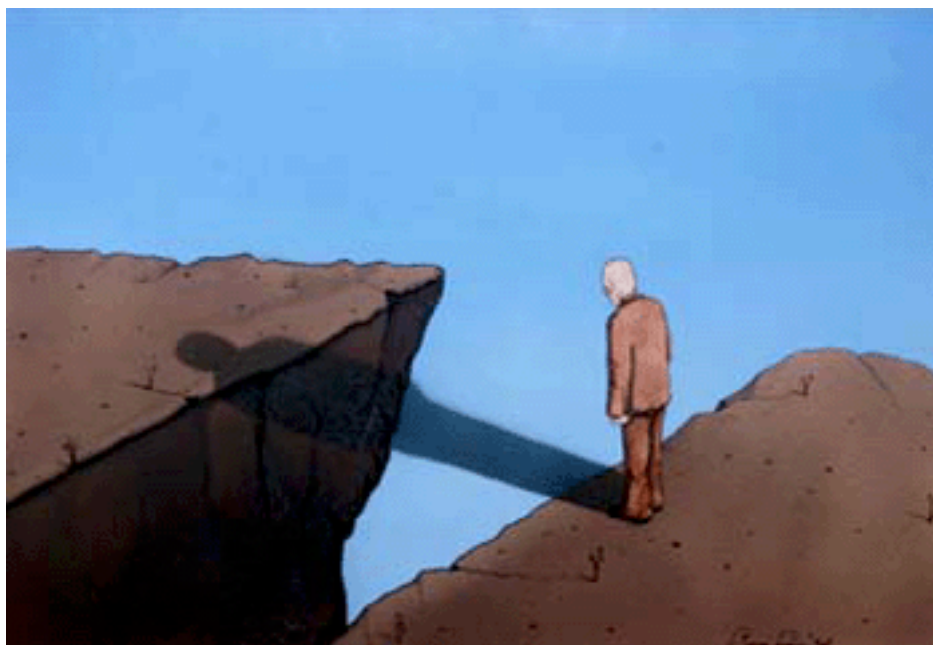
تلاش‌های گسترده و عمومی‌تری در جنبش کارگری برای ایجاد تشکلهای توده‌ای کارگران صورت گرفت. سازمان‌یابی توده‌ای کارگری و یافتن الگویی برای آن، مساله‌ی امروز نیست و جنبش کارگری ایران - مثل باقی نقاط دنیا - سال‌هاست که در شرایط گوناگون، با وجود دولت‌های مختلف و در موقعیت‌های متفاوت، از نظر موقعیت عینی خود طبقه‌ی کارگر با آن دست به گریبان بوده است. اما در عین حال، روشن است که نحوه‌ی پاسخ‌گویی به این مساله و تلاش‌های عملی در این زمینه همیشه متاثر بوده است از روندهای مهم سیاسی و اجتماعی آن دوره.

در راستای تحولات سیاسی و اقتصادی سال‌های اخیر، که در یک سطح پایه‌ای در حقیقت محصول روندهای عمیق‌تری در دوره‌ی بعد از جنگ ایران و عراق بودند، طبقات اصلی جامعه در مقابل سئوالات جدی‌ای معطوف به چگونگی ابراز وجود آتی شان و نقش شان در این راستا قرار گرفتند. جنبش کارگری بر متن این تحولات در معرض دو دسته وقایع قرار گرفته است. <ب> اول، <ب> عوارض و کارکردهای ویران‌گر ناشی از برنامه‌های توسعه و تلاش بورژوازی ایران برای پیوستن به بازار تجارت جهانی؛ و <ب> دوم، شکل‌گیری تحركات جدید، بازبینی صفوف خود و تلاش برای سازمان‌یابی. دسته‌ی اول، خود را در چند قلم عمده نشان داده است: گسترش و تحمیل فقر و فلاکت بی‌حد و حصر بر میلیون‌ها خانواده‌ی کارگری، چند شغله شدن کارگران و تعویق دریافت دست‌مزدها، خروج کارگاه‌های کوچک از شمول همین قانون کاری که خود مورد اعتراض بوده، رواج کارهای موقت و عدم امنیت شغلی در حد صفر، و چشم‌انداز افزایش هنوز هم

گسترده تر بیکاری در راستای گسترش روند خصوصی سازی‌ها تصویر ناچیزی است از موقعیت واقعی زندگی میلیون‌ها کارگر و زحمت کش. دست‌های دوم، اما واکنش به چنین شرایط رقت باری را توضیح می‌دهد. گرچه خصلت عمومی تقابل جنبش کارگری در مقابل چنین شرایطی عمدتاً مبارزه‌ی دفاعی بوده است، اما بر بستر این دفاع پراکنده در جنگی نابرابر، تلاش‌های امید بخشی برای فرا رفتن از این شرایط و شکستن این فضا صورت گرفته است. تلاش برای شکل دادن به تشکلهای کارگری در چند سال گذشته محور این حرکت بوده و فراتر از تعلقات سیاسی فعالین کارگری، بر فضای جنبش کارگری و رابطه‌ی آن با دولت تاثیر گذاشته

طبقه‌ی کارگر نمی‌تواند به عنوان طبقه در عرصه‌ی تقابل‌های اجتماعی و طبقاتی ظاهر شود، مادام که وجه مشخصه موجودیت‌اش تفرقه و پراکندگی است. گرچه وجود گرایش‌های مختلف در جنبش کارگری امری طبیعی و غیر قابل انکار است، اما به طور واقعی جنبش کارگری ما هنوز در مرحله‌ای نیست که گرایش‌های آن شکل و شمایل و هویت قابل تعریفی داشته باشند. با این وصف، دسته بندی‌های فعلاً موجود اجازه می‌دهند، که بگوییم در میان فعالین جنبش کارگری آن‌هایی که به منفعت دراز مدت طبقه‌ی کارگر اندیشیده‌اند، نقطه‌ی عزیمت شان تامین وحدت و یک پارچگی در صفوف توده‌ی کارگران بوده است. رفرمیسم راست و

کارگری است، که زمینه‌های سیاسی و عملی چنین امری را فراهم می‌کند. تامین وحدت طبقاتی کارگران مهم است و سازمان‌یابی توده‌ای کارگری در حقیقت تجسم تشکیلاتی و سازمانی این اصل است. بدون تامین این وحدت، ایجاد سازمان‌های کارگری نقش ویژه‌ای در تغییر تناسب قوا در مبارزه‌ی کارگران علیه سرمایه داران و دولت‌های شان نخواهد داشت. کارگران باید متشکل شوند، برای این که به مثابه یک طبقه در مقابل زورگویی‌های طبقات حاکم و دولت‌های شان ظاهر شوند. اما تشکل، برای تشکل نیست که مهم است. اهمیت تشکل در توان آن برای بسیج توده‌ی هر چه وسیع تر کارگران در مبارزه است، در توان آن برای



است. اکنون دیگر به جرات می‌توان گفت، که جنبش کارگری دوره‌ی محفل سازی را پشت سر گذاشته و چاره جوی یافتن راه حل‌های اجتماعی و وسیع تری است که قدرت اجتماعی کارگر را با اشکال موثرتری به منصفی ظهور می‌گذارد. تلاش کارگران سقز برای برگزاری اول مه، دستگیری و مقاومت و اعتراضات پس از آن نمونه‌ای بود از تلاش برای فراتر رفتن از حرکات کوچک و پیوستن به صفوف گسترده‌ی کارگران ایران در مقیاس سراسری.

۳- مبارزه برای تامین وحدت و یک پارچگی طبقه‌ی کارگر، یک امر حیاتی است.

چپ درون جنبش کارگری، بنابراین، از آن جا که کوتاه نگری و پراگماتیسم سیاسی در مبارزات و مطالبات کارگری مد نظرش بوده است، به این مساله اهمیت زیادی نداده و نمی‌تواند بدهد. برای جنبش سوسیالیستی، اما مبارزه و تلاش برای احقاق حقوق و مطالبات کارگری، حلقه‌هایی از یک امر بزرگ تر هستند؛ امری که ناظر بر تامین منافع آنی و آتی طبقه‌ی کارگر است. تامین وحدت و یک پارچگی در میان طبقه‌ی کارگر نه کار رمل و اسطراب است و نه کار پند و اندرز. مبارزه‌ی حی و حاضر و از جمله همین موارد کنکرت اعتراضات

حفظ حضور این نیروی عظیم در میدان است. بنابراین، اگر بپذیریم که تلاش برای تامین وحدت طبقه‌ی کارگر، خود شاخصی است برای محک زدن پیش روی‌های این جنبش و هم چنین شاخصی است برای سنجیدن دوری و نزدیکی نیروهای سیاسی به آن؛ آن وقت باید پرسید، که آیا در حرکت سقز این امر تامین شد؟ واقعیت این است که هیچ کدام از حرکات اعتراضی سال‌های اخیر به اندازه‌ی این مورد، سمپاتی بخش‌های مختلف طبقه‌ی کارگر (حتی و رای مرزهای ایران) را جلب نکرد. در حقیقت، علت تعلل جمهوری اسلامی در جریان محاکمه و سر دواندن‌های مستمرش

نیز همین واقعیت بود. اما در عین حال، روشن است که جمهوری اسلامی نمی‌تواند در مقابل چنین حرکتی کوتاه آید؛ به این دلیل روشن، که سقز تنها نمونه‌ای از خروار است. تلاش متحدانه برای مقابله با دستگیری فعالین کارگری و ساقط کردن آنان از زندگی، به طور قطع امکان مقابله با حکومت را افزایش خواهد داد. و مواردی که چنین مبارزات و مقاومت‌هایی در آن عاجل می‌شوند، از برکت نکبت وجود جمهوری اسلامی کم نیست. اما نمی‌توان از میزان گستردگی حمایت‌ها از فعالین کارگری سقز گفت، ولی کم و کاستی‌های دیگر این تلاش‌ها را نادیده گرفت. چنین کاری البته تعمق بیشتری در مساله را می‌طلبد، که باید در فرصت مناسب دیگری به آن پرداخت. یکی از مهم ترین این موارد این است، که حمایت‌های آشکار و پنهان از این فعالین کارگری گرچه بخش‌هایی از کارگران را به هم نزدیک ساخت، اما نتوانست این حرکت را عمق و تداوم بخشد. این مساله خصوصا از این جهت قابل فکر است، که معضل قابل مشاهده در رابطه با فعالیت‌های دو نهاد شکل گرفته برای ایجاد تشکل‌های کارگری نیز هست، که جای بحث‌اش این جا نیست. در هر حال، شکل گرفتن خود این دو نهاد و دخالت جمع وسیعی از کارگران در آن نشان می‌دهد، که علت این مساله نمی‌تواند به سادگی اختناق باشد. مورد دیگر در این زمینه، برخوردی است که شامل حامیان این حرکت در داخل و خارج کشور، هر دو است. متکی شدن به حمایت از خارج کشور (حمایت مادی و سیاسی) و بخش زیادی از تلاش‌ها را بر این نکته متمرکز کردن، مشکلی است که نه فقط در جریان حمایت از کارگران دستگیر شده در سقز مشاهده شد، بلکه دارد به یک نرم در برخورد به مبارزات کارگری تبدیل می‌شود. اشکال این شیوه کار و این نوع انتظار، این است که بیشتر به حمایت‌های خارج متکی می‌شود تا تکیه بر حرکت مبارزاتی و اعتراضی در داخل و به این معنا به میدان آوردن توده‌ی وسیع تری از کارگران. جلب حمایت‌های بین‌المللی همیشه جزو مهمی از مبارزات کارگری بوده است، لذا تردیدی نیست و بسیار حیاتی است که سوسیالیست‌های

تبعید شده و حامیان جنبش کارگری در خارج کشور هر چه در توان دارند برای روشن نگه داشتن مشعل این مبارزه بکنند. اما این مشعل وقتی فروزان خواهد ماند، که نیروی حیاتش را از ریشه‌های خود بگیرد.

۴- در بسیاری از مراکز صنعتی ایران، بخش زیادی از کارگران فصلی و پروژه‌ای، کارگران کرد هستند. کارگران فصلی و پروژه‌ای، و یا به شکل رایج تر امروزی کارگران با قراردادهای موقت، جزو ناامن ترین بخش کارگران و در واقع فصل مشترکی‌اند میان کارگران شاغل و بیکار. هم چنین این کارگران به علت خصلت اشتغال شان (موقت، پروژه‌ای و فصلی) بیش از بخش‌های دیگر طبقه‌ی کارگر در حرکت و جا به جایی‌اند. چیزی که به نوبه‌ی خود امکان شکل گیری رابطه‌های گسترده تر و تماس با بخش‌های وسیع تری در مناطق مختلف را به این کارگران می‌دهد. فعالین کارگری دستگیر شده در سقز با تلاش خود برای برگزاری جشن طبقاتی کارگران و مقاومت و ایستادگی پس از آن در مقابل تعدیات جمهوری اسلامی، در حقیقت حضور و نقش کارگران کرد را در صفوف طبقه‌ی کارگر ایران برجسته کرده و گامی بزرگ برای تامین هم بستگی طبقاتی و غلبه بر شائبه‌های ناسیونالیستی و شوونیستی برداشتند.

\* \* \*

جنبش ما در مقابل آزمون‌های دشواری قرار گرفته است. سال‌های سختی رفته‌اند و آن چنان که پیداست، سال‌های سخت تری در پیش روست. بیکاری میلیونی، عدم تامین شغلی، قراردادهای موقت، فقر و فحشا و اعتیاد عوارض شناخته شده‌ای از تلاش‌های بورژوازی ایران برای پیوستن به بازار تجارت جهانی است. این سمت گیری در تمام کشورهایی که چنین روندهایی را از سر گذرانده‌اند، خانه خرابی دهشت باری را به طبقه‌ی کارگر تحمیل کرده است. راه فرا رفتن از این ابعاد گسترده‌ی بی‌حقوقی، هیچ چیز نیست جز مبارزه و تشکل. تنها فاکتوری که به طور واقعی و مبرم می‌تواند تمام معادلات سیاسی را برهم بریزد، حضور یک طبقه‌ی کارگر متحد و متشکل است. حرکت کارگران سقز نمونه‌ای از این تلاش بوده است. با تمام قوا باید از آن‌ها دفاع کنیم و دولت

را واداریم احکام زندان و تبعید این فعالین را پس بگیرد و تمام خسارات وارده به آن‌ها در طول این یک سال و نیم را جبران کند. تحمیل پس گرفتن این احکام بر دولت، پشتوانه و دل گرمی‌ای است برای فعالین کارگری در گسترش مبارزات خود علیه دولت اسلامی و برای جلب هر چه وسیع تر کارگران به مبارزه. حمایت همه‌ی بخش‌های جنبش کارگری مستقل از نوع و رشته‌ی شغلی و مستقل از تعلق سیاسی، در این راستا، قدم کوچکی است در تامین وحدت طبقاتی کارگران.

حرکت اعتراضی کارگران سقز در سال ۸۳، نه شروع تاریخ مبارزات کارگری بوده است و نه پایان آن. کارگران نساجی کردستان، ۵۷ روز اعتراض و مقاومت جانانه را در حالی سازمان دادند که احکام فعالین اعتراضات سقز در کربدورهای دادگاه‌های حکومت اسلامی دست به دست می‌گشت.

دسامبر ۲۰۰۵



اگر برای «نگاه» مقاله می‌نویسید، توجه کنید که این نشریه:  
- در رد یا قبول مطالب آزاد است.  
علت پذیرفته نشدن مطلب به اطلاع نویسنده آن خواهد رسید؛  
- فقط مقالاتی را برای چاپ در نظر می‌گیرد که برای این نشریه فرستاده شده باشند؛  
- در تلخیص مطالب آزاد است. اگر نمی‌خواهید مطلب شما تلخیص شود، حتما این را قید کنید؛  
- تنها مقالات و نوشته‌های دارای امضا را برای چاپ انتخاب می‌کند؛  
- نسخه ارسالی را پس نمی‌فرستد؛  
- اگر ترجمه می‌فرستید، یک نسخه از اصل مطلب را هم ضمیمه آن کنید؛